

نهج البلاغة

مُصَوَّرَةٌ مِنْ نَسَخَةٍ مَخْطُوطَةٍ نَادِرَةٍ مِنَ الْهَرَنِ الْخَامِسِ

مَخْطُوطَةٌ فِي خَزَائِنِ مَخْطُوطَاتِ

مَكْتَبَةِ آيَةِ اللَّهِ الْعَظِيمِ الْحَاجِّ الْمُرْتَضَى الْمُطَهَّرِ الْوَالِدِ

فلم - اهزان

یک کلمه در

نهج البلاغه

عزت‌الله یعقوبی

لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

التبليح بحمد المرعشي

الإمامة

شرح نهج البلاغه ملا صالح قزوینی، ج ۴، ص ۲۲۴؛ نهج البلاغه عطاردی، ص ۴۵۱، ح ۲۴۴؛ نهج البلاغه فیض الاسلام، ص ۱۱۹۷، ح ۲۴۴؛ نهج البلاغه شهیدی، ص ۴۰۲، ح ۲۵۲؛ شرح خوبی، ج ۲۱، ص ۳۱۸، ح ۲۴۲؛ مصادر نهج البلاغه، ج ۴، ص ۱۹۳، ح ۲۵۲؛ نهج البلاغه معاد یخواه، ص ۴۵۵، ح ۲۴۴؛ شرح نهج البلاغه مولی فتح‌الله کاشانی، ج ۳، ص ۴۰۵، ح ۲۴۴.

الأمانة

ترجمة نهج البلاغه زیر نظر آیت‌الله مکارم شیرازی، ج ۳، ص ۳۱۰، ح ۲۵۲؛ معجم المفهرس دشتی، ص ۱۱۵، ح ۲۵۲؛ توضیح نهج البلاغه سید محمد شیرازی، ص ۲۷۶، ح ۲۵۱؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید، ج ۲۰، ص ۵۶، ح ۲۴۹.

الأمانة (الإمامة)

ترجمة نهج البلاغه خوبی، ص ۹۶۶، ح ۲۵۲.

نهج البلاغه کتابی وحی‌گونه است که عالم فرزانه، سید رضی (۳۵۹-۴۰۶ق) آن را گردآوری و تدوین کرده است. این اثر ارزنده در بردارنده حدود ۲۴۰ خطبه، ۸۰ نامه و ۴۸۰ حکمت از حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) است که تاکنون هزاران کتاب و مقاله از شیعه و سنی در ترجمه، شرح و تفسیر آن نگاشته شده و نشر یافته است. با این حال، هنوز نیازمند شرح‌های ژرف دیگر است.

میان نسخه‌های گوناگون نهج البلاغه، همانند بسیاری از کتابهای کهن، اختلاف است؛ ریشه بسیاری از اختلافها عدم توجه و دقت لازم در سخنان حضرت است و گاه دشمنان پاره‌ای الفاظ را دستخوش تغییر کرده‌اند. از این رو، لازم است محققان و نسخه‌شناسان به این مهم پرداخته و عبارات صحیحتر را برگزینند.

از جمله کلماتی که در نهج البلاغه دستخوش تحریف شده، واژه «الإمامة» در کلام زیر است: «فَرَضَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطَهِّيراً مِنَ الشَّرِكِ... وَ الْإِمَامَةَ نِظَاماً لِلْأُمَّةِ وَ الطَّاعَةَ تَعْظِیماً لِلْإِمَامَةِ.» در برخی نسخه‌ها به جای «الإمامة» کلمه «الأمانة» به کار رفته است. نگارنده برای روشن شدن واقع، در حدّ وّسع نسخه‌های مختلف را بررسی کرد. اینک این لفظ را در نسخه‌های گوناگون می‌نمایانیم، و در ادامه، به تحقیق درباره آن می‌پردازیم:

فی ظلال نهج البلاغه

نویسنده فی ظلال نهج البلاغه در شرح «الامانات» می‌نگارد:

«الامانة تاماً كالصدق لا يقوم للحياة نظام إلا بهما معاً و قد ساوى النبي - صلى الله عليه و آله و سلم - بينهما بقوله: و لا تنظروا إلى كثرة صلاتهم و صومهم... و انظروا إلى صدق الحديث و أداء الأمانة إلى البرّ و الفاجر فيما قلّ و جلّ.»

اما جمله «و الطاعة تعظيماً للإمامة» را این‌گونه توضیح می‌دهد:

أى لأولى الأمر الذين يعلمون و يعملون بكتاب الله و سنة نبيه. قال سبحانه: «أطيعوا الله و أطيعوا الرسول و أولي الأمر منكم.» و طاعة الله هي العمل بكتابه، و طاعة الرسول العمل بسنة، و طاعة أولي الأمر تنحصر في تنفيذ أحكام الكتاب و السنة، و الدليل القاطع الواضح على أن المراد بأولي الأمر في الآية الكريمة خصوص العلماء العاملين بالكتاب و السنة، الدليل على ذلك هو قوله تعالى «و لو رده إلى الرسول و أولي الأمر منهم لعله الذين يستنبطونه منهم.»

در فی ظلال نهج البلاغه شرح عبارت پایانی کلام حضرت با جمله قبل سازگار نیست. نویسنده امانت و صدق را قوام بخش نظام زندگانی دانسته و با تمسک به حدیث نبوی اهمیت این دو را بیان داشته است. نمی‌توان حدیث نبوی و اهمیت امانت و صدق را انکار کرد، اما جای پرسش است که امین و صدیق چه کسانی‌اند؟ چه کسانی می‌توانند امانت‌داری و صداقت را به دیگران بیاموزند؟ کدام امانت بالاتر از امانت امامت و رهبری جامعه پس از رسول خداست؟ غیر از امامت چه چیزی می‌تواند مایه استواری جامعه باشد؟ غیر از امامت کامل‌کننده دین و اتمام‌کننده نعمت و مایه رضای خالق چیست؟ آن‌جا که

نهج البلاغه محمد عبده، ص ۵۵؛ فی ظلال نهج البلاغه، ج ۴، ص ۳۶۷، ح ۲۵۱؛ نهج البلاغه مبشری، ص ۳۹۲، ح ۲۵۲.

برای معلوم ساختن لفظ صحیح، شرح‌های مختلف نهج البلاغه را بررسی می‌کنیم:

شرح ابن ابی‌الحدید

ابن ابی‌الحدید از شارحان دقیق و نکته‌سنج است. وی معتزلی مذهب است، اما در موارد متعدّد از اظهار حق ابایی ندارد. در نسخه موجود از شرح او، کلام حضرت به صورت «و الأمانة نظاماً للأمة» ضبط شده، لیکن ابن ابی‌الحدید در شرح آن می‌نگارد:

«و فرضت الإمامة نظاماً للأمة؛ و ذلك لأنّ الخلق لا يرتفع الهرج و العسف و الظلم و الغضب و السرقة عنهم إلا بوازع قویّ و ليس يكفي في امتناعهم قبح القبيح و لا وعيد الآخرة، بل لابدّ لهم سلطان قاهر ينظم مصالحهم فيردع ظالمهم و يأخذ على أيدي سفهائهم.»

وی در شرح عبارت «و الطاعة تعظيماً للإمامة» می‌نویسد:

«و فرضت الطاعة تعظيماً للإمامة و ذلك لأنّ أمر الإمامة لا يتمّ إلا بطاعة الرعيّة و إلا فلو عصت الرعيّة إمامتها لم يتفعوا بإمامته و رئاسته عليهم.»

از توضیحات ابن ابی‌الحدید روشن می‌شود که در متن اصلی شرح، لفظ «الإمامة» به کار رفته است، اما با گذشت زمان، به دست متعصبان جاهل، این کلمه به «الأمانة» تغییر یافته است؛ اگرچه نتوانسته‌اند در شرح دست ببرند، لذا توضیح ابن ابی‌الحدید با عبارت بعد (والطاعة تعظيماً للإمامة) سازگار و هماهنگ است، زیرا حضرت می‌فرماید: امامت باعث نظام امت است، و پیروی از امامت امری عظیم شمرده شده است. روشن است که بزرگ شمردن پیروی از امانت معنا ندارد.

خداوند می‌فرماید: «اليوم أكملت لكم دينكم و أتممت عليكم نعمتي و رضيت لكم الإسلام ديناً»، کدام امر غیر از امامت است که اگر رسول اکرم (ص) به مردم اعلام نمی‌کرد مثل این بود که در تمام مدّت پیامبری، رسالت خویش را انجام نداده است: «يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك و إن لم تفعل فما بلغت رسالته و الله يعصمك من الناس إن الله لا يهدي القوم الكافرين».

آیه فوق نشان می‌دهد که پیامبر اکرم (ص) مخالفت منافقان و فرصت طلبان را پیش‌بینی می‌کرد. از این رو، از اعلام این امر مهم بیم داشت و شاید مایل به اعلام آن نبود. این آیه وظیفه پیامبر اکرم (ص) را مشخص کرد، و فرمود: «در صورت عدم اعلام امر امامت، رسالت خویش را انجام نداده‌ای. خداوند تو را از شرّ مردم ننگه می‌دارد و خداوند کافران را هدایت نخواهد کرد».

از این آیه می‌توان نکته مهم دیگری را نیز استفاده کرد، و آن این که نپذیرفتن امامت در ردیف کفر است. امامت آن قدر با اهمیت است که رسول خدا (ص) می‌فرماید: «لیوم من إمام عادل خیر من عبادة الرجل وحده ستین عاماً؛ هر آینه یک روز امام و رهبر عادل بهتر از عبادت کسی است که شصت سال به تنهایی عبادت کند».

آیا جامعه‌ای بدون امام عادل می‌تواند از امانت الهی برخوردار باشد؟ آیا غاصبان امامت و ولایت توانستند جامعه‌ای آرمانی، که هدف پیامبر بود، به وجود آورند؟

نهج البلاغه محمد عبده

شیخ محمد عبده با انتخاب «و الأمانات نظاماً للأمة» آن را به گونه‌ای توضیح داده است که با در نظر گرفتن جمله بعد امام (ع) نامناسب به نظر می‌رسد:

«لأنه إذا روعيت الأمانة في الأعمال أدى كلّ عامل ما يجب عليه فتتنظم شؤون الأمة. أما لو كثرت الخيانات فقد فسدت الأعمال و كثر الإهمال فاختل النظام».

نگارنده منکر اهمیت امامت نیست، اما اگر خیانت به

امانت‌های معمولی سبب اختلال در اداره نظام شود، به طریق اولی امانت دین اگر به دست فرصت طلبان بیفتد و دین را بر طبق هوای نفس تفسیر کنند، در نظام اعتقادی مردم - که زمینه‌ساز اختلال‌های دیگر است - اختلال پدید خواهد آمد. امام معصوم - طبق حدیثی که بخشهایی از آن در ادامه می‌آید - حافظ دین و مبلغ آن است. مردم در پرتو هدایت معصوم، به وظایف فردی خود آگاه شده و پس از شناخت وظیفه به تهذیب خویش خواهند پرداخت و امانت‌دار شایسته خواهند شد و جای نگرانی‌ای که عبده اظهار می‌دارد نیست.

در روایت آمده که در حکومت حضرت مهدی (ع) همه راهها امن می‌شود؛ به گونه‌ای که زنان آزادانه هر جا بخواهند می‌روند. بنابراین، در سایه امامت و ولایت، سجایای اخلاقی قوت گرفته، و جامعه را به سوی رشد و شکوفایی رهنمون می‌شوند.

نهج البلاغه علی محمد دخیل

علی محمد دخیل عبارت «وللإمامة نظاماً للأمة» را انتخاب کرده، و می‌نویسد:

«الإمامة: الخلافة و الإمام هو الذي يقوم مقام النبي (ص) في الأمة و مهمته مهمّة النبي (ص) إصلاحها و تقويمها و دفع عوادي الأعداء عنها و الطاعة تعظيماً للإمامة لأن مخالفته و عصيانه تعوقه عن إصلاح».

توضیح فوق با کلام امیرالمؤمنین (ع) تناسب دارد و صحیح به نظر می‌رسد، چون امامت مورد طاعت قرار می‌گیرد و برپایی نظام به آن بستگی دارد، نه امانت. امانت از امور بااهمیت است، اما اهمیت آن به پایه امامت نمی‌رسد.

بیانات امام رضا (ع)

تأمل در سخنان امام رضا (ع)^۱ در گفت و گو با عبدالعزیز بن مسلم و مقایسه آن با کلام امیرالمؤمنین (ع) روشن می‌سازد که

۱. تحف العقول، ص ۴۳۶-۴۴۱.

کلمه «الإمامة» در نهج البلاغه صحیح است و «الأمانة» تحریفی فاحش است.

اینک تیمناً قسمتهایی از بیانات گهربار حضرت امام رضا(ع) را می آوریم تا اهمیت امامت بر همگان آشکارتر شود:

۱. امامت مقام انبیا و میراث اوصیاست؛ امامت جانشینی خدا و رسولش است و مقام امیرالمؤمنین و جانشینی امام حسن(ع) و امام حسین(ع) است.

۲. امام، زمام و عنان دین و نظام مسلمین و صلاح دنیا و عزت مؤمنین است.

۳. امام ریشه بالنده اسلام و شاخه سربلند آن است.

۴. امام متمم و مکمل نماز و زکات و روزه و حج و جهاد است؛ مایه فراوانی غنیمت و صدقات و اجرای حدود و احکام و استحکام مرزها و سرحدات است.

۵. امام حلال خدا را حلال، و حرامش را حرام می کند؛ حدود خدا را برپا می دارد؛ از دین خدا دفاع می نماید و مردم را با حکمت و موعظه نیک و حجت‌های رسا به راه خدا دعوت می کند.

۶. امام مانند خورشیدی است که هنگام دمیدن از گوشه افق - آن جا که نه دیده توان دیدنش را دارد و نه دست به دامانش می رسد - پرتو تابناک خود را در عالم می گستراند.

۷. امام ماه تابان شب چهارده است؛ چراغ فروزان و نور طالع و اختر راهنما در اعماق تاریکیها و دلیل هدایت و نجاتبخش از هلاکت است.

۸. امام مانند آتشی بر سر تل بلند است. به هرکه گرما خواهد حرارت بخشد؛ آن را که گرفتار مهلکه شود راه بنماید؛

و هرکه از آن کناره گیرد نابود شود.

۹. امام ابر بارنده و بارانی پیاپی و آسمانی سایه افکن و زمین گستر و چشمه جوشان و برکه و گلزار است.

۱۰. امام امینی رفیق و پدري مهربان و شفیق و برادری همزاد است؛ همانند مادری نیکوکار و مهربان برای فرزند خردسال و پناه بندگان خداست.

۱۱. امام امین خدا در زمین و در میان خلق اوست؛ بر بندگان خدا حجت و در شهرهایش جانشین است؛ و مردم را به سوی خدا می خواند و از حریم او دفاع می کند.

۱۲. امام پاک شده از گناهان و زدوده از عیبهاست؛ آراسته به دانش، و نشانش حلم است. مایه نظام دین و عزت مسلمین و خشم منافقین و نابودی کافرین است.

نتیجه

بیشتر نهج البلاغه‌ها - از جمله نهج البلاغه‌های کهن، که کتابت آنها به قرن پنجم می رسد، و نسخه‌های معتبر، چون متن اصلی شرح ابن ابی الحدید و ابن میثم - کلمه «الإمامة» را برگزیده‌اند. از نظر نگارنده، لفظ «الإمامة» در نهج البلاغه سیدرضی بوده است، اما استنساخ کنندگان آن را تحریف کرده‌اند.

البته ممکن است گفته شود آنان که «الأمانة» را انتخاب کرده‌اند، این گونه توجیه کنند که مراد از امانت همان امامت است.

در این صورت باید گفت چرا از خود کلمه «الإمامة» این مطلب را استفاده نکنیم؟ ممکن است بپذیریم که یکی از اماتهای بزرگ الهی امامت است، اما امامت یکی از مصادیق آن است. پس لفظ «الإمامة» صحیحتر است.